

فصلنامه راهبرد سیاسی

سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۹۹

صفحات: ۶۵-۹۰

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۳/۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی

واکاوی الگوی سیاست خارجی کشور بحرین

علی رضایی* / وحید شربتی** / محدثه حیدری***

چکیده

کشور بحرین یکی از کشورهای کوچک اما پر اهمیت در منطقه خلیج فارس است که علی‌رغم اینکه ۷۰ درصد جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند تحت حکومت ۳۰ درصد جمعیت سنی قرار دارد و سالهاست که رژیم آل خلیفه بر این کشور حکومت می‌کنند. سیاست خارجی این کشور و ساختارهای شکل دهنده به آن موضوعی است که در آثار پژوهشی مختلف چندان دقیق مورد بررسی قرار نگفته است لذا در این مقاله بر آن هستیم که به طور دقیق به واکاوی ساختارهای شکل دهنده به سیاست خارجی این کشور بپردازیم. سوال اصلی که در این پژوهش به دنبال پاسخ به آن هستیم این است که مهمترین ساختارهای شکل دهنده به سیاست خارجی تعاملی-تقابلی بحرین چه ساختارهایی هستند و الگوی حاکم بر سیاست خارجی این کشور چیست؟ فرضیه مطرح شده در پاسخ به سوال مزبور نیز این است که ساختارهای جمعیتی-فرهنگی، اقتصادی، نظامی-امنیتی و سیاسی ویژه بحرین سبب به وجود آمدن تضادها و تعاملاتی در عرصه روابط خارجی این کشور شده اند و سبب شده اند که سیاست خارجی این کشور در برداری از تعامل تا تقابل شکل گیرد. روش مورد استفاده در این پژوهش روش تبیینی است و در راستای گردآوری داده‌ها از مهمترین اسناد موجود در کتابخانه‌ای، اندیشکده‌ها و همین‌طور روش پیمایش کیفی بهره گرفته شده است.

کلید واژه‌ها

سیاست خارجی بحرین، قدرت‌های منطقه‌ای، قدرت‌های بین‌المللی، الگوی تعاملی-تقابلی.

* دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

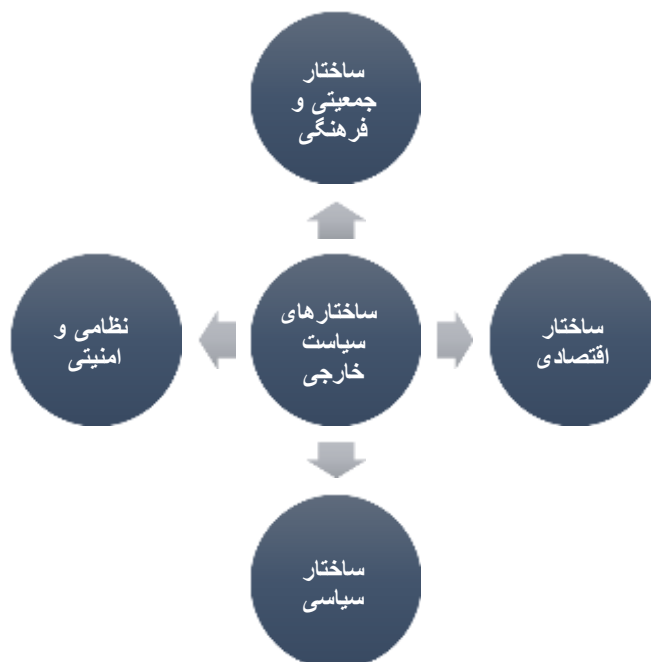
** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

vahidsharbaty@gmail.com

*** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

برای بررسی دقیق سیاست خارجی بحرین نیاز است که علاوه بر موقعیت جغرافیایی، محیط داخلی و خارجی این کشور مورد پایش و بررسی دقیق قرار گیرند لذا در ابتدا مروری خواهیم داشت بر ۴ ساختار مهم داخلی یعنی ساختارهای اقتصادی، امنیتی- نظامی، جمعیتی- فرهنگی و در نهایت ساختار سیاسی تا بتوانیم درک صحیحی از رویکردهای این کشور در سیاست خارجی به دست آوریم. شکل ۱ به خوبی گویای ۴ ساختار شکل دهنده به سیاست خارجی بحرین است.



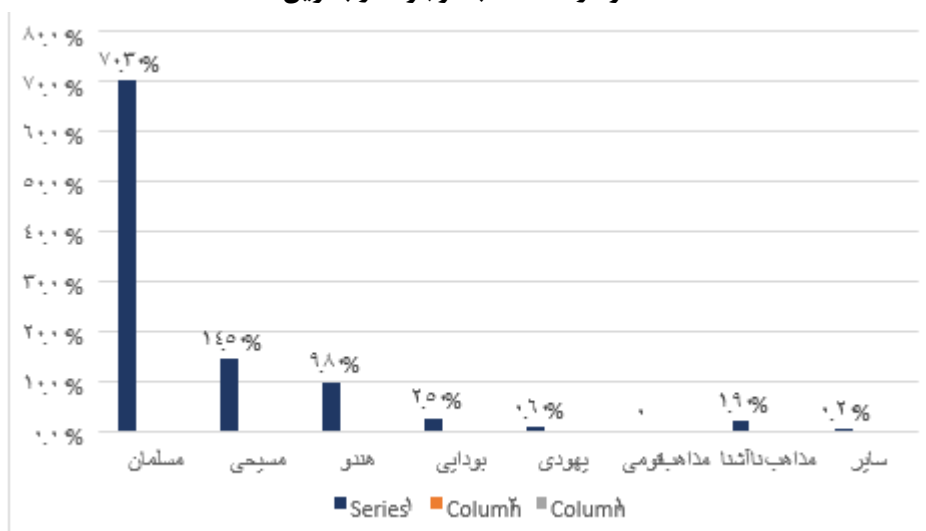
شکل: ۱

۱. ساختار جمعیتی و فرهنگی:

یکی از مهمترین و بنیادی ترین ساختارهای موجود در هر کشوری ساختار جمعیتی و فرهنگی حاکم بر آن کشور است. فرهنگ و جمعیت همانطور که نقش قابل توجهی در مدیریت داخلی کشورها دارد، می تواند نقش بسزایی نیز در عرصه سیاست خارجی ایفا نماید. در طی تاریخ انسان، فرهنگ و ایدئولوژی سه فاکتور مهمی بوده اند که بخش قابل توجهی از منازعات

بشری به دلیل این سه فاکتور شکل گرفته اند. در کشور بحرین هم این عامل یکی از مهمترین عوامل محیطی شکل دهنده به بحران موجود در این کشور، درگیری آل خلیفه با اکثریت شیعی تحت ستم این حکومت و بتبع رویکرد اتخاذ شده توسط آنها در سیاست خارجی منطقه ای و جهانی می باشد. تنوع فرهنگی-قومیتی هم اکنون یکی از مهمترین فاکتورهای شکل دهنده به فرهنگ حاکم بر کشور بحرین است و یکی از مهمترین دلایل آن مهاجرپذیر بودن بحرین است. بر مبنای داده های منتشر شده توسط سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ تقریباً ۵۰ درصد جمعیت این کشور را مهاجرین تشکیل می دهند.

نمودار ۱: مذاهب موجود در بحرین



منبع: (www.theodora.com,2017)

شیعیان اگرچه اکثریت جامعه بحرین را شکل می دهند اما عملاً از هر حق و حقوقی در ساختار سیاسی این کشور محرومند و قدرت به طور کامل در دستان ۳۰ درصد جمعیت سنی قرار دارد. جمعیت شیعیان این کشور بر مبنای داده های مؤسسه پو علی رغم رشد روزافزون مسلمانان سنی مذهب در سال ۲۰۳۰ به ۶۱۷ هزار نفر خواهد رسید و در حدود ۱,۵ درصد رشد خواهد داشت. این تعداد هرچند کند است اما نشاندهنده عدم کاهش جمعیت شیعیان بحرین می باشد (www.pewforum.org,2011). هرچند میزان جمعیت شیعیان در این کشور رو به فزونی است اما عملاً علی رغم اصلاحات جزئی که ال خلیفه انجام می دهد، شیعیان

همچنان از حقوق شهروندی و بسیاری از حقوق انسانی خود در این کشور محرومند و همین مسئله سبب شده که جمهوری اسلامی ایران، حزب الله لبنان و جبهه مقاومت که یکی از رسالت های خود را دفاع از حقوق مظلومین و شیعیان تحت ستم تعریف می کند به حمایت معنوی از انقلابیون شیعی بپردازد و بتبع با رژیم آل خلیفه مخالفت نماید و همین امر یکی از مهمترین فاکتورهایی است که سبب سیاست خارجی تقابلی آل خلیفه با بازیگران مزبور شده است.

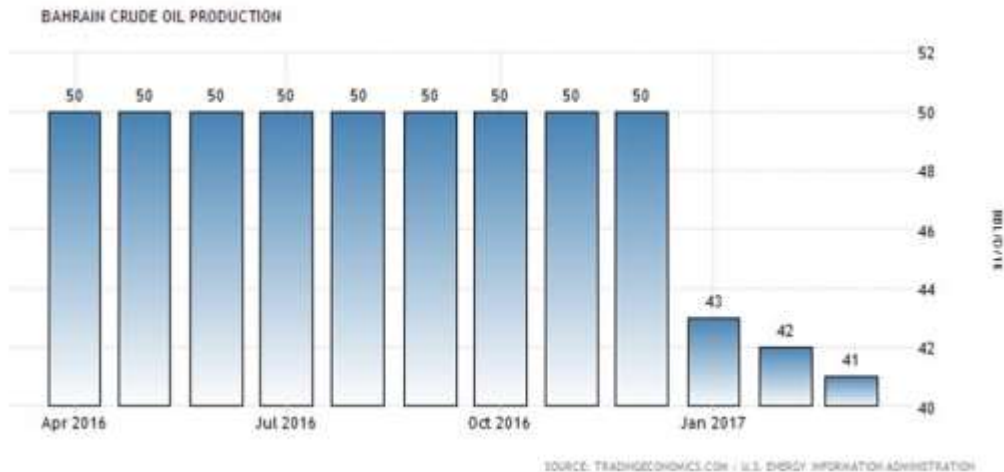
۲. ساختار اقتصادی:

علاوه بر مسائل جمعیتی یکی از مهمترین ساختارهایی که برای شناخت سیاست خارجی بحرین باید مورد بررسی قرار گیرد ساختار اقتصادی بحرین است. هرچند بحرین کشور ثروتمندی نیست و حتی بخشی از انرژی خود را توسط عربستان تأمین می کند اما این کشور منابع طبیعی فراوانی دارد زیرا بحرین نیز همانند سایر کشورهای منطقه خلیج فارس کشوری است که دارای ذخایر هرچند در مقایسه با سایر کشورهای منطقه اندک نفت و گاز می باشد. البته علاوه بر موارد مذکور کشور بحرین دارای ذخایر مروارید و ماهی فراوانی نیز هست. بحرین اولین کشور خلیج فارس است که نفت در آن کشف شد. اقتصاد سنتی این کشور وابسته به کشاورزی و ماهیگیری است اما در حال حاضر بیشتر درآمد ساکنین بحرین از بانکداری و گردشگری تأمین می گردد. علی رغم اهمیت بالای صنایع گردشگری و بانکداری، نفت و فرآورده های نفتی ۶۰٪ صادرات و درآمد دولت این کشور را به خود اختصاص می دهند. تنها صنایع داخلی این کشور تولید آلومینیوم و پالایشگاه بحرین می باشند. بحرین رتبه نخست تولید این محصول را در خاورمیانه و رتبه پنجم را در سطح جهانی دارد نمودار ۱-۲ نشان دهنده میزان صادرات صورت گرفته در بحرین در سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ می باشد. علی رغم تمام نقاط قوت اقتصادی بحرین، کاهش میزان صادرات در این کشور در نمودارهای زیر به خوبی مشهود است و منابع نفتی و... بحرین نیز رو به اتمام هستند.

نمودار ۲: میزان صادرات بحرین



نمودار ۳: میزان تولید نفت خام در بحرین در سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷

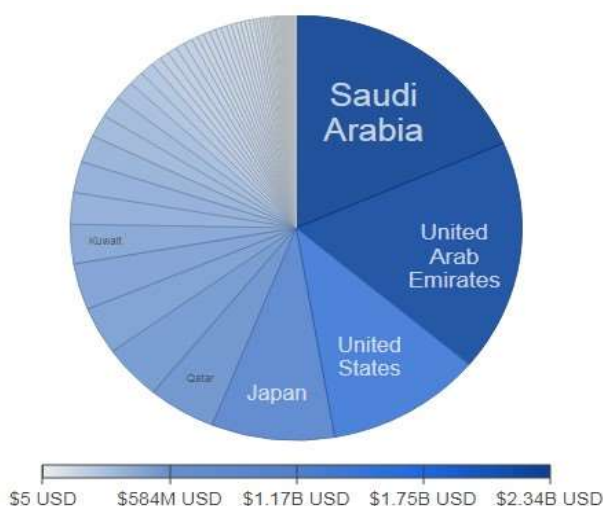


www.tradingeconomics.com,2017

بنابراین در کشوری که از یک سو منابع نفتی و.....رو به کاهش است و از نظر اقتصادی بدون بهره گیری از سرمایه گذاری های خارجی سرمایه گذاری و مدیریت اقتصاد داخلی عملاً ناممکن است و از سوی دیگر بخش عظیمی از مردم با ساختار حاکم مخالفند وابستگی به

ابرقدرتها و بهره‌گیری از کمک‌های آنان برای سرکوب انقلابیون مهمترین بخش تعاملات خارجی را شکل می‌دهد. حکومت بحرین هم اکنون علی‌رغم محیط‌های چالش‌برانگیز داخلی و منطقه‌ای بحرین، حجم بالایی از سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های تجاری را به خود جذب کرده است. حکومت بحرین در راستای جذب سرمایه‌قوانینی را برای شرکتهای تجاری وضع نموده و با اتخاذ خط و مشی‌هایی سرمایه‌گذاری خارجی و مالکیت شرکتهای آنها را تسهیل نموده است. (www.heritage.org,2017). هم‌اکنون نیز مهمترین شرکای تجاری این کشور امارات متحده عربی، عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا هستند، همان‌بازیرانی که نقش قابل‌توجهی در سرکوب انقلابیون این کشور دارند. مهمترین شرکای بحرین در نمودار زیر آمده است.

نمودار ۴: مهمترین شرکای بحرین



	Value	Year
Saudi Arabia	\$2.34B	2016

بر مبنای این نمودار بیشترین میزان صادرات بحرین به کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی و آمریکا و در نهایت ژاپن بوده است.

۳. ساختار سیاسی:

سیستم سیاسی بحرین در دست خلیفه و خانواده‌ی او قرار دارد. پادشاه محور هر نوع تصمیمگیری حکومتی است، دولت زیر نظر او اداره شده و دو مجلس «النواب» و «الشورا» که هر کدام از ۴۰ نماینده به ترتیب به طور انتخابی و انتصابی تشکیل می‌شوند؛ فاقد هر نوع قدرت می‌باشند. این دو مجلس در تعیین نخست وزیر و سایر وزرا هیچ نقشی نداشته و قادر به قانونگذاری مستقل هم نمی‌باشند. مجلس این کشور همانگونه که خود پادشاه هم می‌گوید، یک مجلس مشورتی است. جاستین گنگلر در یادداشتی که در اندیشکده بروکینگز منتشر می‌سازد بیان داشته است که علاوه بر منازعه شکل گرفته در بین دولت و گروههای معترض مردمی می‌توان سه منازعه سیاسی دیگر را نیز در بحرین نام برد: از دیدگاه گنگلر اولین و مهمترین منازعه در بین اعضای اصلاح طلب و امنیت طلب خاندان حاکمه است. دومین منازعه بین مخالفان سیاسی در زمینه دستیابی به توافق سیاسی با دولت است که در این بین می‌توان به حزب الوفاق و کسانی که مصالحه با دولت را رد می‌کنند و موافق اقدامات رادیکال و خشونت آمیز علیه دولت می‌باشند اشاره کرد و سومین منازعه از دیدگاه وی در بین مخالفین سنی در جریان است. (www.brookings.edu, 2012). پریشانی ساختار سیاسی این کشور و عدم انسجام در آن و تلاش دستگاه حاکمه برای سرکوب شیعیان و کشورهای شیعه حامی انقلابیون در منطقه سبب شده تا سیاست خارجی اش بیش از پیش حول ارتباط با غرب و کشورهای منطقه با محوریت آمریکا و عربستان سعودی شکل گیرد.

۴. ساختار و قدرت نظامی و امنیتی:

بحرین از نظر نظامی و امنیتی کشوری منفعل بوده است و همین امر موجب نفوذ و دخالت کشورهای خارجی در بحرین شده است. انفعال بحرین در بعد امنیتی و نظامی بستری را فراهم ساخته برای مداخله قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای در این کشور. بحرین برای حفظ امنیت خود از آنجا که به لحاظ امنیتی و دفاعی - نظامی کشوری ضعیف است مجبور به انعقاد پیمانهای نظامی با قدرتهای بزرگ شده است که از مهمترین آنها پیمان نظامی با آمریکا و اعطای پایگاه نظامی الجفیر در سال ۱۹۷۱ به این کشور است. این پایگاه در سال ۱۹۳۵ توسط انگلیسی ها احداث شد و پس از خروج آنها در سال ۱۹۷۱ در اختیار آمریکا قرار گرفت (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۸: ۲۰). یکی دیگر از پایگاههای نظامی مهم در این کشور

پایگاه دریایی دائمی این کشور در خاک بحرین است که در سال ۲۰۱۵ افتتاح گردید. به نظر می‌رسد آل خلیفه به دلیل بحران مشروعیتی که داشته با انعقاد این پیمانها علاوه بر بالا بردن قدرت دفاعی و امنیتی خود در صدد کسب مشروعیت خارجی به‌ویژه از سوی قدرتهای بزرگ جهانی نظیر آمریکا بوده است. با توجه به این موارد در صورت عدم حمایت نظامی این قدرتها از بحرین حکومت این کشور توان مبارزه با معترضین و سرکوب قیامهای شیعیان را نخواهد داشت در ادامه نقشه ای آورده شده که پایگاههای نظامی بحرین و همینطور پایگاههای نیروی دریایی آمریکا در این کشور کاملا مشهود است.



بازیگران مؤثر در سیاست خارجی بحرین



شکل ۲

بازیگران خارجی:

آنچه از نظرها دور نیست اهمیت حمایت قدرتهای بین المللی از این رژیم خودکامه در راستای ممانعت از فروپاشی آن و جلوگیری از قدرت گرفتن اکثریت شیعی می باشد. با توجه به اهمیت حمایت های بین المللی در حفظ این رژیم، یکی از مهمترین اقدامات دولت بحرین در ابتدای شروع اعتراضات و قیامهای شیعیان و سایر معترضین بر علیه اقدامات غاصبانه این رژیم اقدام به کمک خواهی و شکلهی به اتحادهایی با قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای بود. اهمیت شکل دهی به اتحادهای خارجی و نقش عوامل محیطی در پایداری رژیم خودکامه بحرین تا بدان جاست که اندیشکده بروکینگز بیان می دارد که دلیل پایداری رژیم های خودکامه و سلاطین جهان عرب وابستگی فرهنگی بین سلاطین و مردم نیست بلکه اتحادهای سیاسی ای است که با متحدین خارجی و داخلی خود ساخته اند که در زمان بحران از آنها حمایت خواهند نمود. به علاوه این اندیشکده معتقد است در کشورهای عربستان سعودی، کویت، قطر و امارات متحده

عربی و عمان به شکل مستقیم و در کشورهای اردن و بحرین به شکل غیر مستقیم هر دو عامل اتحادسازی و دولت سازی متأثر از نفت هستند و نفت به عنوان عاملی تسهیل کننده و در برخی موارد به عنوان اصلی ترین عامل شکل دهی به این اتحادها تعریف شده است (www.brookings.edu,2013).

دکتر مصدق پور رئیس رادیو بحرین در پاسخ به سوال مربوط به مهمترین بازیگران دخیل در انقلاب بحرین بیان داشتند رژیم آل خلیفه در بحرین بدلیل طفره رفتن از اصلاحات سیاسی برای پاسخ به مطالبات طیف های گسترده ای از جامعه بحرینی اعم از شیعیان؛ سنی ها و سکولارها با بحران مشروعیت روبرو شده است؛ به همین جهت این رژیم امروز در تقابل با اراده ملی ایستاده است. برای این رژیم آل خلیفه امروز به قوه قهریه متوسل شده و ادامه حیات خود را در سرکوب و قلع و قمع مخالفین و منتقدین، گسترش دامنه اختلافات فرقه ای و در حمایت های سیاسی، مالی، نظامی و تبلیغاتی قدرت های منطقه ای و بین المللی بویژه امریکا، انگلستان، عربستان و حتی رژیم اشغالگر قدس، جستجو می کند.

به زعم ایشان دو تئوری تبیین گر مداخلات قدرت های بزرگ در بحرین هستند:

تئوری "توافق و مشارکت" و تئوری "مقاومت و تغییر".

تئوری "توافق و مشارکت":

طرفداران این نظریه معتقدند که بحرین یک کشور کوچک با جمعیت کم است و کاملاً مستقل نیست. از لحاظ تاریخی همواره تحت تاثیر سیاست های کشورهای خارجی، به ویژه کشورهای غربی بوده، که در واقع این کشور کم مساحت از طرفی حیاط خلوت عربستان سعودی، از طرفی دیگر پایگاه ناوگان پنجم دریایی امریکا است بهمین خاطر این جزیره کوچک از حاکمیت کامل برخوردار نمی باشد. از آنجا که عربستان سعودی و ایالات متحده هر دو اجازه تغییرات بنیادین در بحرین را نمی دهند و تمامی امکانات و قابلیت های مالی و نظامی خود را صرف جلوگیری از بوجود آمدن این تغییرات می کنند؛ بنابراین، راه حل بحران بحرین "توافق و مشارکت ایران در مشورت ها و اقدامات منطقه ای و بین المللی" که در مورد بحرین انجام می گیرد، خواهد بود. طرفداران نظریه فوق در عین حال معتقدند که این راه حل نمی تواند تغییرات بنیادین ایجاد کند، اما می تواند بطور نسبی وضعیت شهروندان شیعه در بحرین را بهبود بخشد (مصدق پور، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

تئوری "مقاومت و تغییر":

نظریه یاتئوری "مقاومه و تغییر" نظریه اول را رد می کند، پیروانان این نظریه بر این عقیده اند که عربستان سعودی و امریکا قدرت و توانایی برای مدیریت بحران های منطقه را ندارند. همانطور که پیشتر بود، عربستان سعودی ضعیف شده و امریکا استراتژی های خود را در این منطقه تغییر داده است. طرفداران این نظریه بر این عقیده اند که یأس و ناامیدی امریکا در مناطقی مانند سوریه، عراق، افغانستان و ناکامی عربستان در کشورهایی مانند لبنان و سوریه ضعف توانایی های ریاض و واشنگتن برای تحت تاثیر قرار دادن شرایط منطقه ای و بین المللی را نشان می دهد. بنابراین، مقاومت مردم بحرین و ادامه اعتراضات و اصرار آنها بر تغییر قدرت، می تواند نتایج مهمی را به دست آورد و موفقیت را ثبت کند، اما بشرط اینکه انقلابیون بحرینی باید از گسترش خشونت و افراط گرایی جلوگیری کند و همچنان به مقاومت و فعالیت و برنامه ریزی های خود ادامه دهند تا در آینده به نتیجه مطلوب برسند. حامیان این نظریه استدلال می کنند که انقلابیون بحرین اگر راه به جلو حرکت کنند، توانایی های بازیگران منطقه ای و بین المللی حامی آل خلیفه و آل سعود بسیار کاهش می یابد (مصدق پور، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

به طور کلی در رابطه با بازیگران خارجی دخیل در جنبش بیداری اسلامی بحرین می توان به چندین بازیگر اصلی یعنی امارات متحده عربی، انگلستان، آمریکا، ایران و عربستان سعودی و... اشاره کرد که هر یک بعد از شکل گیری انقلاب بیداری اسلامی در بحرین نقش بسزایی در اقدامات صورت گرفته توسط این جنبش ایفا نمودند.

۱. آمریکا:

موقعیت ژئوپلیتیک بحرین عاملی است که سبب جلب توجه تمامی قدرتهای بزرگ جهانی از جمله آمریکا به این کشور شده است. حضور آمریکا در منطقه و ایجاد پایگاه هایی در کشورهای منطقه تلاشی است در راستای حفظ منافع استراتژیک بلند مدت این کشور. از دیدگاه محققان بروکینگز ثبات رژیمهای خودکامه عربی خبر خوبی برای ایالات متحده است زیرا می تواند برای ایالات متحده آمریکا منافع بسیاری در زمینه های اطلاعاتی، سیاسی، دیپلماتیک و نظامی در بر داشته باشد. پادشاه بحرین وابستگی عمیقی به آمریکا دارد و روابط نه چندان پنهانی با رژیم صهیونیستی برقرار می نماید. حضور فرماندهی ناوگان پنجم آمریکا در منامه نشانه شدت وابستگی آل خلیفه به آمریکا است. به زعم آنها مهمترین اقداماتی که ایالات متحده در بحرین می تواند انجام دهد حمایت از ولیعهد، تلاش در راستای تشویق دولت بحرین به توجه به تقاضاهای

مخالفان و تشویق کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به ارائه مشاوره های لازم به بحرین به عنوان شریک مهم آنها در منطقه است (www.brookings.edu,2013). لازم به ذکر است که ترامپ در دیدار خود با ملک حمد تاکید کرد که در دوره وی روابط دو کشور شاهد تنش نخواهد بود. در دوره ترامپ، برای اولین بار دو نفر از معترضان شیعی در فهرست تروریسم وزارت خارجه آمریکا قرار گرفتند؛ تعلیق فروش جنگنده های پیشرفته که در دوره اوباما انجام شده بود توسط دولت ترامپ لغو گردید. نگاه ترامپ به اعتراضات در بحرین با اوباما بسیار متفاوت است.

از دیدگاه اندیشکده بروکینگز بحرین برای مدتی در وضعیت بحران سیاسی باقی خواهد ماند و تهدیدی که برای آمریکا وجود دارد مربوط است به پایگاه دریایی این کشور و بنابراین آمریکا ناگزیر است انتقال پایگاه خود را در دستور کار قرار دهد. یک راهکار دیگر برای ایالات متحده ترغیب آل خلیفه به شکلهی به یک سازش در محافل سیاسی است و آمریکا باید به کشور بحرین اولتیماتوم دهد که در صورت ادامه روند کنونی به حضور نظامی خود در منطقه پایان خواهد داد تا بدین وسیله حکومت بحرین را ترغیب به هرچه زودتر حل و فصل نمودن بحران نماید (www.brookings.edu,2013). در رابطه با مداخله ایالات متحده در بحران بحرین لازم به ذکر است که بسیاری از اندیشکده های آمریکایی معتقد به لزوم ایجاد تغییر در کشورهای منطقه خلیج فارس بودند اما هیچ یک از آنها شکل گیری یک دومینوی انقلابی را پیشبینی نمی کردند.

۲. انگلستان:

در ابتدای قرن نوزدهم، بریتانیا که تنها قدرت استعماری بلامنازع در منطقه بود تلاش کرد به دزدی دریایی در خلیج فارس پایان دهد تا امنیت راه های تجارت دریایی شرکت هند شرقی را تامین کند. در واقع، از سال ۱۷۸۳ جزیره بحرین به دست خاندان آل خلیفه افتاد که از اعراب شبه جزیره عربستان بودند و از قرن نوزدهم تا سال ۱۹۷۱ تحت الحمایه انگلیس قرار داشتند. در این دوره شاهد دخالت انگلیس در امور داخلی بحرین بودیم و محمد بن خلیفه حاکم وقت بحرین قراردادی با انگلیسی ها امضا کرد که به موجب آن در مقابل دفاع انگلیس از بحرین در برابر هرگونه تجاوز، محمد بن خلیفه دست از تجهیز و آماده سازی نیروهای نظامی خود بردارد، اما هنگامی که شیوخ و قبایل قطر بر آل خلیفه شوریدند و محمد آنها را سرکوب کرد، انگلیسی ها بهانه آوردند که محمد معاهده موجود را نقض کرد و به این ترتیب انگلیس

خواستار برکناری محمد و روی کار آوردن بردارش "عیسی خلیفه بن سلمان آل خلیفه"، پدر پادشاه کنونی بحرین به جای وی شد که با موافقت عیسی مواجه شد و این سرآغاز اختلاف میان برادران شد. بریتانیا در ساخت کنونی منطقه خاورمیانه نقش اصلی را ایفا کرده است که ساخت اغلب کشورهای عربی نیز نتیجه سیاست های بریتانیا است که بحرین از جمله این کشورها محسوب می شود. انگلستان از اوایل دهه ۱۹۷۰ از منطقه خاورمیانه خارج شده است اما با حفظ وابستگی حکام عرب به حمایت انگلیس، تلاش کرد منافع خود را از طریق این حکام تامین کند. بحرین از جمله کشورهایی است که نفوذ در آن برای انگلیس از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا کشور امروز بحرین و به قدرت رسیدن آل خلیفه در آن نتیجه سیاست های انگلیس است.

در طی سال های پس از آغاز قیام انقلابی بحرین در ۲۰۱۱، تحولات این کشور به دلیل اهمیت استراتژیک آندر منطقه، همواره تحت تاثیر بازیگران منطقه ای و قدرتهای بین المللی بوده است. در این میان انگلیس نیز به دلیل نفوذ تاریخی خود در بحرین و روابط ویژه پادشاهی این کشور با آل خلیفه همواره با هرگونه تغییر و تحولدر ساختار سیاسی و قدرت بحرین مخالف بوده است، بویژه آنکه هرگونه تغییرات احتمالی در بحرین، قابلیتسرایت به دیگر متحد منطقیهای لندن یعنی عربستان را نیز دارد. بر همین اساس نیز انگلیس در طی سال های پساز ۲۰۱۱ همواره سعی داشته است با حمایت از آل خلیفه در سرکوب مخالفان، مانع از سقوط آل خلیفه شود، چنانکه مقامات انگلیس به رغم مخالفت افکار عمومی و نهادهای حقوق بشری این کشور در مقاطع زمانی مختلف، اقدام به فروش تسلیحات نظامی از جمله تجهیزات نظامی ضد شورش کرده است. علاوه براین، لندنهمواره سعی داشته است تا با اقداماتی همچون برگزاری مسابقات فرمول یک در بحرین، گسترش مناسبات و روابط دیپلماتیک و میزبانی از مقامات آل خلیفه به بهانه های مختلف، به نمایش عادی سازی شرایط در این کشور کمک نموده و به نحوی برای آل خلیفه مشروعیت سازی نماید. همچنانکه اخیرا نیز این کشور به دعوت از پادشاه بحرین و پسرش برای شرکت در مسابقات اسبسواری لندن اقدام کرد. اما ورود پادشاه بحرین به لندن به شدت با مخالفت جمعی از فعالان بحرینی مقیم انگلیس مواجه شد. چنانکه منابع بحرینی گزارش دادند که معترضان به این سفر، تجمع اعتراضآمیز برگزار کرده و با حمل پلاکاردی بزرگ که روی آن نوشته بود «حمد یک مجرم است و نه یک مهمان ویژه» اعتراض خود را به سیاستهای انگلیس در حمایت از نظام بحرین در سرکوب قیام مردم این کشور اعلام

نمودند. در همین راستا یک فیلم ویدیویی نیز نشان می دهد که فعالان حقوقی در میان تماشاچیان مسابقه اسب سواری که «حمد بن عیسی ال خلیفه» پادشاه بحرین و فرزندش ناصر حضور داشت، پلاکاردی را در دست داشتند که در آن عبارت «انگلیس حمایت از دیکتاتور بحرین را متوقف کند». البته این اعتراضات نه تنها از سوی مقامات لندن مورد توجه قرار نگرفت، بلکه به شدن با آن برخورد شده و تعدادی از مخالفان نیز توسط پلیس انگلیس دستگیر شدند. حمایت انگلیس از آل خلیفه به رغم مخالفت های مردمی در حالی طی سال های گذشته صورت گرفته است که مقامات لندن، بارها در سایر موضوعات منطقه و جهان از جمله در سوریه خود را مدعی حقوق بشر نشان داده و به ظاهر خواستار حمایت از حق و حقوق مردم شده اند، موضوعی که در تعارض کامل با سیاست های این کشور در بحرین است که نشان از رویکرد دوگانه لندن به حقوق بشر دارد. بنابراین رویکردهای انگلیس در قبال تحولات کشورهای منطقه و موضوعات حقوق بشری را باید برمبنای منافع این کشور در حوزه های مختلف مورد توجه قرار داد. همچنانکه در مساله بحرین، حمایت های این کشور از آل خلیفه تا حد زیادی به نفوذ تاریخی لندن در بحرین برمی گردد. چنانکه بحرین به عنوان یک مرکز مالی مهم برای انگلیسی ها به شمار می رود. همچنین روابط تنگاتنگ آل خلیفه و انگلیس بر اساس گذشته تاریخی و نفوذ تاریخی انگلیس در ساختار حکومتی بحرین شکل گرفته است و بنابر سیاستهای انگلیس در منطقه خاورمیانه، آل خلیفه از همپیمانان لندن به حساب می آید به صورتی که لندن در گستره تاریخی شکل گیری بحرین و استقلال آن همیشه حمایت خود را از خاندن حاکم در بحرین ابراز داشته است و به نوعی نقش حامی را در برخورد در معترضان آل خلیفه در گذر تاریخی ایفا کرده است.

با وجود محکومیت های گسترده و انتقادات وسیع بسیاری از سازمان های حقوقی و انسانی منطقه ای و بین المللی علیه رژیم آل خلیفه، که از خشونت برای سرکوب مردم بحرین استفاده می کند، دولت انگلیس به انعقاد معاملات سنگین فروش انواع مختلف سلاح و جنگ ابزارهای مدرن ویژه سرکوب به بحرین ادامه داد. آبان ماه ۱۳۹۵، انگلیس پایگاه دریایی خود را در بحرین افتتاح کرد تا آنرا به دومین مرکز عملیات برای نیروی دریایی سلطنتی این کشور پس از پایگاه پورتموث، در جنوب انگلیس تبدیل کند. این پایگاه دریایی با حدود ۶۰۰ نیروی نظامی، وظیفه پشتیبانی از کشتی های جنگی را که در آبهای منطقه گشت زنی می کنند، بر عهده دارد. پایگاه دریایی انگلیس در بحرین اولین مقر نظامی انگلیس در منطقه خلیج فارس در

۴۰ سال اخیر است. دولت بحرین اکنون در حالی میزبان نیروی دریایی انگلیس شد که میزبان بزرگترین ناوگان دریایی آمریکا نیز است. میزبانی از پایگاه دریایی انگلیس توسط دولت بحرین به معنای این است که آل خلیفه حمایت آمریکا را برای بقای خود در قدرت کافی نمی داند و از سوی دیگر نگران این است که حمایت های آمریکا کاهش یابد. انگلیس بحرین را به عنوان یک شریک استراتژیک و تاریخی در خاورمیانه می بیند و به همین خاطر برای چندین دهه تلاش کرده از رژیم آل خلیفه حمایت کند و انواع سلاح های ضد شورش را در اختیار آن قرارداد داده تا بتواند به حاکمیت خود ادامه دهد. ناظران بر این باورند که مقامات آل خلیفه موفق شدند سکوت بریتانیا در مورد جنایاتی که علیه معترضان صلح آمیز در بحرین مرتکب می شوند را با بستن قراردادها سنگین خرید اسلحه از یک طرف و انعقاد توافقنامه های امنیتی و واگذاری امور امنیتی به انگلیس از دهه نود میلادی از طرف دیگر، خریداری کنند.

علت واقعی حمایت کشورهای غربی از جمله انگلستان از رژیم آل خلیفه این است که این کشورها دنبال منافع خودشان هستند. نخست وزیر انگلیس در اولین سفر خود به منطقه، وارد بحرین می شود و در اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس در منامه شرکت می کند. پیام روشن حضور او در منطقه، جبران کمبودهای اقتصادی خودشان است. وی با حضور در بحرین و بیان اظهارات ایران هراسانه، هدفش این بود که اعلام کند ما از شما دفاع می کنیم و شما هم باید به ایجاد پایگاه های نظامی و تقویت حضور نظامی انگلیس در منطقه کمک کنید. سفر نخست وزیر انگلیس به هدف بازاریابی و تقویت اقتصاد این کشور و جبران زیانهای ناشی از جدایی از اتحادیه اروپا صورت گرفته است. آنان می بینند که در حال ضرر کردن هستند و لذا درصدد جبران کمبودهای خود از طریق فروش سلاح و تقویت حضور خود در منطقه برآمدهاند. به طور کلی می توان بیان داشت که علی رغم تمامی این اعتراضات صورت گرفته روابط انگلستان و پادشاه بحرین به اندازه ای عمیق است که آنها در سال ۲۰۱۶ دویستمین سالگرد روابط عمیق و صمیمانه خود را جشن گرفتند. این دو کشور منافع و مشترکات بسیاری دارند که این مسئله زمینه را برای روابط عمیقتر و شکلهی به شراکت بلندمدت هموار می سازد. نه تنها بحرین بلکه سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بسترهای بسیار مناسبی برای سرمایه گذاری انگلستان در فضای پسارگزیت هستند. روابط دوجانبه بحرین و انگلستان هم اکنون به گونه ای است که بسیاری از مردم بحرین انگلستان را خانه دوم خود می بینند و در حدود ۱۴۰۰۰ بحرینی در دانشگاههای انگلستان مشغول به تحصیل هستند به طوری که از هر

۵۰۰ نفر بحرینی ۱ نفر در انگلستان درس خوانده است. علاوه بر اینها حضور نیروی دریایی و تسلیحات دریایی انگلستان در داخل و خارج از بحرین یکی دیگر از علائم روابط عمیق آل خلیفه و انگلستان است و این دولت انگلستان را به عنوان یکی از مهمترین تأمین کنندگان امنیت خود می بیند و از طرف دیگر انگلستان نیز در راستای حفظ امنیت خود و ممانعت از کاهش سطح مبادلات تسلیحاتی و اقتصادی اش با حکام منطقه به هیچ وجه موافق فروپاشی رژیم های کنونی و روی کار آوردن رژیم شیعی موافق با ایران و مخالف با غرب نیست. این دو کشور هم اکنون نیز به دنبال تعمیق روابط خود در آینده هستند، (www.theworldfolio.com, 2017) با توجه به سطح روابط دوجانبه انگلستان و بحرین و نفوذ بالایی که این کشور در آل خلیفه دارد می توان اذعان داشت که یکی از مهمترین بازیگران نقش آفرین در سرکوب معترضان و جنبش بیداری اسلامی در بحرین انگلستان و اقدامات کارشکنانه این دولت است.

۳. شورای همکاری خلیج فارس:

شورای همکاری خلیج فارس نیز سالهاست که مواضع و رویکردش در مقابل جمهوری اسلامی ایران و آل خلیفه کاملا روشن است. با آغاز اعتراضات در بحرین و حضور شیعیان بحرینی در این اعتراضات و تلاش آنها در راستای براندازی یک دیکتاتوری در منطقه نگرانی در رهبران اعضای شورای همکاری خلیج فارس به شدت افزایش یافت. این نگرانی ها در بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس در مقامات سعودی به دلیل سکونت شیعیان در شرق این کشور و در مجاورت بحرین بسیار بیشتر است زیرا عربستان همواره از شورش شیعیان ساکن منطقه قطیف به شدت بیم دارد و هرگونه حرکتی را در این منطقه به شدت سرکوب می کند. شورای همکاری خلیج فارس در اجلاس خود، از خاندان آل خلیفه حمایت کرد و در چهارچوب توافق امنیتی این شورا و نیروهای سپر جزیره، مجوز اعزام نیرو به بحرین جهت سرکوب معترضین را صادر کرد. در این راستا نیروهای امنیتی از عربستان سعودی و امارات عربی متحده به بحرین اعزام و در سرکوب مردم در کنار نیروهای بحرینی شرکت کردند. در عین حال گزارش هایی مبنی بر توافق محرمانه آل خلیفه و آل سعود در سرکوب شیعیان بحرین منتشر شده است. براساس این توافق آل خلیفه در قبال حفظ حکومت از سوی دولت سعودی، امتیازات مهمی را به این دولت اعطا کرده است که از جمله آنها تغییر ساختار جمعیتی بحرین با اعطای تابعیت به مهاجرین سعودی، مشورت با پادشاه سعودی در خصوص قراردادهای سیاسی و امنیتی خارجی، اجازه ساخت پایگاههای نظامی در خاک بحرین و نظارت سعودی ها

بر دستگاه اطلاعات و امنیت و فعالیت وزارت کشور این کشور است. شورای همکاری خلیج فارس همچنین در نشست های اخیر خود ایران را به مداخله در امور بحرین متهم نموده و آن را محکوم کرده است. مسئله ای که در جهت ابزاری و غیربومی نشان دادن اعتراضات مردم بحرین صورت می گیرد. (اسدی، ۱۳۹۱: ۱۳).

جمال خاشغچی با تمرکز بر دینامیک های منطقه ای و ژئوپلیتیک بر این باور است که عدم وجود مداخلات خارجی مناسب و میانجی گری یکی از دلایل اصلی است که دولت بحرین نمی تواند به یک فهم مشترک با مخالفان برسد. وی تأکید بسیاری بر نقش عربستان سعودی با توجه به جایگاه منطقه ای و روابط تاریخی اش با اجتماعات سنی و شیعه در بحرین دارد. از دیدگاه وی کشورهای همسایه بحرین همچون کویت، امارات متحده عربی و عربستان سعودی به شدت موافق حفظ وضع موجود در بحرین هستند و از تبدیل شدن بحرین به یک سلطنت مشروطه ممانعت می نمایند. وی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را خانواده ای توصیف می کند که حامی یکدیگر هستند و پروژه الاتحاد الخلیجی را یک پروژه واقعی بر می شمرد (www.brookings.edu, 2012). شورای همکاری خلیج فارس از هر حربهای برای سرکوب قیام شیعیان بحرین بهره برد و حتی از رسانه ها به عنوان ابزاری در راستای سرکوب معترضین استفاده کرد. در عرصه رسانه ای و تبلیغاتی شبکه ها و سازمانهای رسانه ای شورای همکاری خلیج فارس بهخصوص دو شبکه اصلی العربیه و الجزیره در راستای اهداف و طرحهای سیاسی این شورا سعی کردند تا تصویر خاص خود را از تحولات بحرین ارائه دهند که به خصوص بر وابسته نشان دادن اعتراضات به خارج و مداخله جمهوری اسلامی ایران و همچنین شیعی و فرقه های مطرح کردن اعتراضات متمرکز بود. که البته لازم به ذکر است که بعد از تحولات ۲۰۱۱ آل خلیفه همواره نسیت به رویکرد الجزیره نسبت به تحولات بحرین اعتراض داشته است.

۴. عربستان:

تمام تلاش عربستان با توجه به اولویتهای سیاست خارجی این کشور در رهبری جهان عرب و حفظ پیشتازی خود در صادرات نفت همواره معطوف به حفظ هارمونی قابل اتکا در سیاستهای تعارض آمیزش در قبال جهان عرب و غرب بوده است (مظاهری، ۱۳۹۰). با توجه با این تفاسیر بحرین برای عربستان به عنوان فضای حیاتی مطرح است، بنابراین سعودی ها بیشتر از نظر اقتصادی با بحرین همکاری کرده اند و از این طریق خواهان اعمال نفوذ بر حکام بحرین بودند که تا حدود زیادی نیز موفق عمل کرده است. مثلاً با کاهش یافتن ذخایر نفتی

بحرین، عربستان با اعطای روزانه ۱۰۰ هزار بشکه نفت به بحرین پیوند دوستی همراه با نفوذ گسترده خود را در بحرین حفظ کرده است (بحرانی، ۱۴۵:۱۳۸۱) و در همین راستا پس از فروکش کردن بحران ۱۹۹۴ بحرین، عربستان از چاه های نفت ابوسعفه روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت استخراج می کند که روزانه ۱۵۰ هزار بشکه از آنها را به بحرین ارسال می کند. علاوه بر این سعودی ها در موارد متعدد به همکاری نظامی با بحرین اقدام نموده اند. برای مثال در درگیری های داخلی ماه دسامبر ۱۹۹۵، عربستان با ارسال نیروهای نظامی و هلی کوپترهای خود به داخل کشور بحرین، حمایت خود را از این کشور اعلام داشت (بحرانی، ۱۴۵:۱۳۸۱). همچنین نیروهای عربستانی برای سرکوب جنبش بیداری ملت بحرین وارد این کشور شدند. در این اقدام عربستان حاکمیت و استقلال کشور بحرین را زیر سوال برده و موجبات نارضایتی های گسترده ملت بحرین را فراهم نمودند. نظام بین المللی سلطه نیز در این مسیر همراه با عربستان عمل می نماید و به نوعی سرکوب شیعیان بحرین را از طریق عربستان سعودی عملیاتی می سازد. ماهیت تحولات بحرین به دلیل آنکه اکثریت مردم آن را شیعیان تشکیل می دهند، با دیگر کشورهای عربی متفاوت است. به همین دلیل بود که عربستان سعودی به نیابت از نظام سلطه و برای جلوگیری از ورود موج پر قدرت بیداری اسلامی به درون کشور خود، بحرین را اشغال کرد و با نقض صریح تمامی قوانین بین المللی به سرکوب شدید مخالفان خاندان آل خلیفه پرداخت. سربازان سعودی و امارات متحده، در بحرین مانند یکی از استانهای کشور خود مداخله کردند و آمریکا نیز طراحی سرکوب مخالفان را در بحرین انجام می داد. دولت بحرین با حمایت نظامیان سعودی پس از دستگیری گسترده مخالفان و محاکمه ناعادلانه آنها، صدها مسجد و حسینیه را آتش زده و تخریب کردند. یکی از نویسندگان غربی در باره تحولات بحرین می نویسد: اگر حوادث میدان التحریر قاهره را نماد واقعی خاورمیانه جدید بدانیم، تخریب میدان لوء لوء را باید نماد تلاش عربستان برای توقف انقلابهای عربی و بازگشت به دوره قبل از این قیامها دانست. همین نویسنده در ادامه می افزاید: ورود تانک های عربستان سعودی به بحرین، حاوی این پیام از طرف ریاض بود که این کشور برای مقابله با تغییرات قدرت در خاورمیانه آماده هر نوع دخالتی از دیپلماسی نرم تا مداخله تمام عیار نظامی است. (www.foreignaffairs.com, 2015)

به طور کلی می توان دلایل اهمیت بحرین را برای عربستان در چند مورد زیر خلاصه نمود:

۱. تنها کشور خلیج فارس که درگیر جنبشهای بیداری اسلامی شده است بحرین می باشد.

۲. انعقاد پیمان امنیتی با بحرین که به حمایت عربستان از حاکمیت فعلی این کشور منجر شده است.

۳. اقلیت شیعه عربستان که ساکن مناطق نفت خیز این کشور هستند و در همجواری بحرین قرار دارند و تسری انقلاب بحرین به عربستان می تواند امنیت ملی و یکپارچگی این کشور را مخدوش سازد و از طرفی با قدرت گیری شیعیان به تغییر توازن به نفع ایران منجر گردد.

۵. امارات متحده عربی:

یکی دیگر از اعضای مهم شورای همکاری خلیج فارس که نقش بسزایی در تحولات داخلی بحرین دارد و به نوعی یکی از مهمترین بازیگران خارجی دخیل در این اعتراضات است کشور امارات متحده عربی می باشد. این کشور همسو با سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در ابتدای اعتراضات اقدام به فرستادن نیروی نظامی به خاک بحرین در راستای سرکوب خیزش بیداری اسلامی در این کشور نمود. امارات نیز همچون دیگر کشورهای شورا دارای اقلیت شیعیان می باشد و همچون سایر این کشورها از بر هم خوردن ثبات خود و تسری این خیزشها به داخل مرزهایش بیم دارد لذا در راستای سرکوب قیام بحرین از هیچ تلاشی فروگذار نکرد و همواره به عنوان یکی از مهمترین بازیگران خارجی مؤثر در قیام بحرین شناسی می شود.

۶. ایران:

به طور کلی یکی دیگر از بازیگران مهم منطقه ای که نقش بسزایی در انقلاب بحرین داشته است جمهوری اسلامی ایران است. اولین و مهمترین تأثیر ایران در این انقلاب به بازتاب انقلاب اسلامی ایران در کشورهای منطقه و بتبع الهام بخشی در انقلابیون این کشورها بوده است. در رابطه با الهام بخشی انقلاب جمهوری اسلامی ایران در منطقه می توان به صحبت‌های دو نفر از افراد شاخص انقلاب بحرین اشاره کرد. شیخ محمد خجسته نماینده شیخ علی سلمان در ایران در پاسخ به تأثیرات انقلاب ایران به ملت بحرین بیان داشت: انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) تأثیر شگرفی نه تنها بر کشورهای اسلامی بلکه بر تمام جهان گذاشت و به تمام مستضعفان جهان آموخت که اگر مستضعفان روی زمین اراده کنند که حقوق خود را به دست آورند، انقلاب امام خمینی(ره) به عنوان نمونه زنده ای پیشروی آنها است(مصاحبه با شیخ محمد خجسته، ۱۳۹۴/۴/۲۹). شیخ عبدالله الدقاق نیز در پاسخ به همین سؤال تأکید کرد: انقلاب اسلامی ایران انقلابی برای همه مستضعفان بر ضد مستکبران جهان است، لذا تنها محدود

به مرزهای ایران نشده و سایر مناطق جهان را نیز در بر گرفته است. مردم بحرین نیز تحت تأثیر فراوان این انقلاب قرار گرفتند به طوری که در اوایل پیروزی آن، تظاهرات زیادی در تأیید انقلاب در مناطق مختلف بحرین برپا شد و هیئتی از علمای بزرگ بحرین برای تبریک پیروزی انقلاب خدمت امام خمینی (قدس سره) شرفیاب شدند. آن روزها، روزهای سراسر حماسه و اظهار تأیید و همراهی با انقلاب و مردم ایران توسط مردم بحرین بود.

علاوه بر الهام بخشی انقلاب ایران در انقلاب بحرین و سایر کشورهای عربی منطقه جمهوری اسلامی ایران یکی از بازیگران اصلی تحولات بحرین جمهوری اسلامی است که از ابتدای قیام مردمی مسلمانان و بویژه شیعیان بحرین با محکومیت خشونت ها و اقدامات سرکوب گرانه خاندان آل خلیفه و عربستان سعودی خواستار پایان دادن به سرکوب مردم شد. راهبرد جمهوری اسلامی، راهبرد حمایت و هدایت تحولات در جهت ارتقاء جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی و اقتصادی در چارچوب حقوق شهروندی می باشد. موضع گیری‌های صریح و شفاف جمهوری اسلامی ایران در قبایل بحرین و حمایت از مردم مظلوم بحرین تأثیرگذاری قابل توجهی بر تحولات آن کشور داشته است. لازم به ذکر است که حاکمیت اکثریت شیعی در کشور بحرین مسلماً منافع بیشماری را برای جمهوری اسلامی ایران در بر خواهد داشت و می تواند حتی به تغییر موازنه در منطقه منجر گردد و این مسئله زنگ خطری است برای قدرتهای منطقه ای بالخصوص عربستان سعودی و قدرتهای فرامنطقه ای همچون انگلستان و آمریکا. بر خلاف اکثر قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای جمهوری اسلامی ایران همواره راهبرد حمایتی را در بحرین اتخاذ نموده است و سیاست این کشور بر آن است که با حمایت از فعالین جنبش بیداری اسلامی در بحرین می تواند علاوه بر آنکه از سرکوب شیعیان در این کشور ممانعت ورزد گامی در راستای دستیابی آنها به حقوق تضعیف شده اشان بردارد. به زعم شورای سیاست گذاری خاورمیانه پس از فروپاشی عراق در منطقه دو کشور ایران و عربستان رقابت دیرپایی را در منطقه آغاز نمودند که این رقابتهای در مناطق و کشورهای بیشماری از جمله بحرین نمود یافته است. هر دو کشور به خوبی از اهمیت استراتژیک بحرین آگاهند و این مسئله در محاسبات و رفتار استراتژیک آنها در بحرین به خوبی نمود یافته است. تهران به شدت از نفوذ ریاض در بحرین نگران است (www.mepc.org, 2017). جمهوری اسلامی ایران در راستای محافظت از شیعیان بحرین در برابر آل خلیفه از ابزارهای نرم بهره می گیرد و در تلاش است تا به نوعی با

حمایت از مردم مظلوم بحرین از سرکوب بی دلیل و ظالمانه آنها توسط آل خلیفه که این اقدامات را با حمایت رژیم صهیونیستی، عربستان و سایر قدرتها انجام می دهد ممانعت ورزد. اما در رابطه با استراتژی جمهوری اسلامی ایران در بحرین دکتر مهتدی کارشناس مسائل خاورمیانه اذعان داشتند که "جمهوری اسلامی متأسفانه از همان روز اول، استراتژی مدونی برای مقابله با این وضعیت نداشته و ندارد. شاید در همان زمان که عربستان قصد اعزام نیرو به بحرین را داشت درست این بود که ارتش جمهوری اسلامی به نیروی دریائی آماده باش می داد و تهدید می کرد که اگر عربستان دخالت نظامی بکند ایران هم وارد اقدام نظامی می شود) الگوی اقدام ترکیه در مورد قبرس در (۱۹۷۴). مسلماً آمریکا و عربستان عقب نشینی می کردند چون بروز یک جنگ در خلیج فارس به سود هیچکس نبود. متأسفانه ما انفعالی عمل کرده ایم و چون ما را متهم به دخالت در بحرین کرده اند پیوسته خواسته ایم ثابت کنیم که دخالتی نداریم. در داخل کار زیادی نمی توان کرد چون فقط آل خلیفه در میدان نیستند بلکه امکانات نظامی، اطلاعاتی و تبلیغاتی عربستان، امارات، رژیم صهیونیستی و آمریکا در خنثی کردن این انقلاب فعالند. عمده کار باید در جبهه های خارجی محور مقاومت در برابر عربستان و اسرائیل صورت گیرد". (مصاحبه با دکتر مهتدی، ۱۳۹۶/۷/۱۵)

۷. جبهه مقاومت و حزب الله لبنان:

جبهه مقاومت، حزب الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران تنها بازیگرانی هستند که به حقوق پایمال شده شیعیان بحرین اهمیت می دهند و در جهت مقابله با سرکوب شیعیان در این کشور و همچنین کاهش حمایت های منطقه ای از آل خلیفه تلاش می کنند. آنها انقلاب بحرین را انقلابی توصیف می کنند که متعلق به مرزهای بحرین نیست و چالش و دغدغه همه ملت های مسلمان است. شیخ عبدالله الدقاق در رابطه با بازیگران خارجی دخیل در انقلاب بحرین بیان می دارند: "مهمترین بازیگران خارجی حامی انقلابیون، جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان که محور اصلی مقاومت هستند که در انقلاب بحرین بسیار تأثیر گذارند. انقلاب بحرین یک انقلاب داخلی است نه خارجی و تأثیر گذاری ایران و حزب الله از طریق حمایت از مردم مظلوم بحرین و نشان دادن مظلومیت آنها از طریق رسانه ها مانند شبکه العالم و الکوثر و المنار صورت می گیرد (مصاحبه با عبدالله الدقاق، شهریور ۱۳۹۶).

در مصاحبه ای که با دکتر محمد باقر خرمشاد داشتیم ایشان نیز بر نقش آفرینی حزب الله لبنان و جبهه مقاومت در انقلاب بحرین تأکید داشتند و بیان نمودند که یکی از عواملی که می

تواند سرنوشت انقلاب بحرین را تغییر دهد پیروزی جبهه مقاومت بر داعش و تروریسم در منطقه است. البته همانطور که شیخ دقاق اشاره داشتند حمایت جبهه مقاومت از انقلابیون بحرین یک حمایت معنوی و مبتنی بر رسانه است و هرچند رژیم آل خلیفه بارها تلاش داشت تا جبهه مقاومت را حامی رفتارهای خشونت آمیز در بحرین نشان دهد اما در واقع جبهه مقاومت به هیچ وجه موافق رفتارهای خشونت آمیز انقلابیون نیست. مهمترین اقدام جبهه مقاومت در منطقه بر مبنای فرمایشات دکتر محمدباقر خرمشاد باید استفاده تضعیف قدرتهای خارجی حامی رژیم آل خلیفه باشد زیرا با توجه به داخلی بودن انقلاب بحرین عملاً نمی‌تواند به اقداماتی در داخل بحرین دست زند.

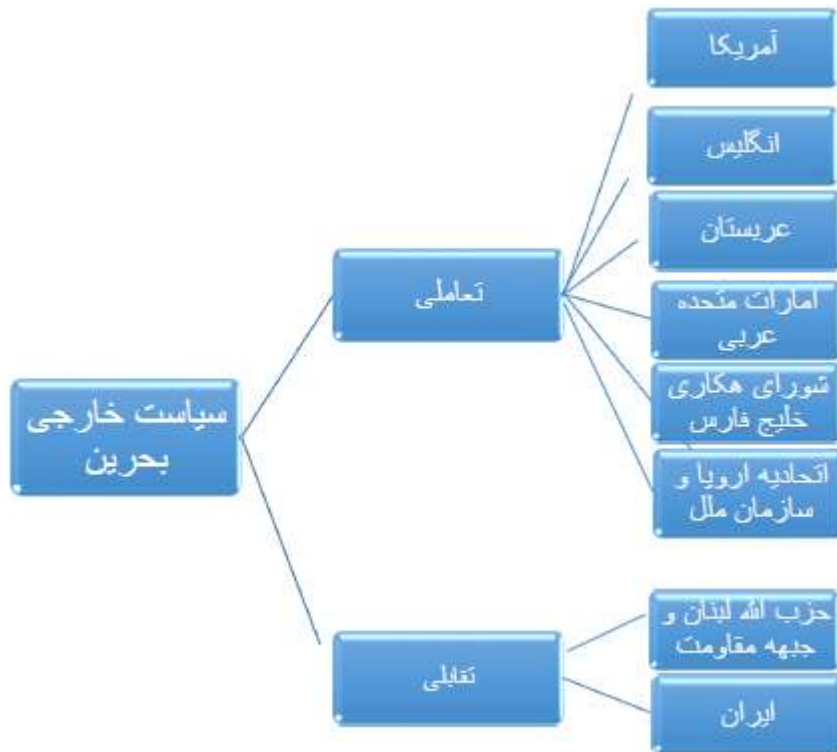
۸. سازمانهای غیردولتی و سازمان ملل و اتحادیه اروپا:

امروزه سازمان های غیردولتی از دو نظر و در بعد می توانند نقش ایفا کنند؛ در بعد اول، به عنوان گروه فشار در داخل کشور نسبت به دولت های خود یا با ارائه اطلاعات و افشای حقایق و وقایع در سطح بین المللی و بر ملا کردن موارد نقض حقوق بشر از سوی دولت ها و ابراز نگرانی نسبت به آنها، دولت ها را تا حدودی وادار و ناگزیر به رعایت برخی موازین حقوق بشری می کنند. بسیاری از سازمان های غیردولتی به نوعی دارای مقام و موقعیت مشورتی نزد سازمان ملل، شورای اروپا، سازمان کشورهای اروپایی، یونسکو، و دیگر سازمان های تخصصی بینالدولی هستند و این امر به آنها اجازه می دهد که نمایندگانشان تحت شرایطی، گزارشهایی به اینسازمان ها ارائه دهند و کمیته ها و کمیسیون های این سازمان ها، مطالب آنها را بشنوند و حتی در برخی موارد بر تعیین دستور کار این سازمان ها اثر بگذارند... سازمانهای غیردولتی همچنین نقش مهمی در ایجاد رویه های مربوط به رسیدگی به نقض حقوق بشر از سوی سازمان ملل و آژانس های تخصصی آن ایفا می کنند (میرزایی، ۱۳۹۳: ۱۲۰). با تحولات به وجود آمده در عرصه ارتباطات، تلاش سازمان دیده بان حقوق بشر باعث پخش شدن اخبار و تحولات حقوق بشری بحرین و دیگر انقلاب های منطقه در سراسر جهان شده است. به همین دلیل است که دولت بحرین بارها به مقامات این سازمان اجازه ورود به بحرین برای مشاهده وقایع از نزدیک را نداده است (میرزایی، ۱۳۹۳: ۱۲۰). به طور مثال مساله وضعیت حقوق بشر در بحرین، بخش قابل توجهی از مباحثات سی و سومین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو (۱۷ سپتامبر ۲۰۱۶ را) به خود اختصاص داد (www.parstoday,1395). اگرچه گزارشات چنین سازمانهایی عموماً برای دولت ها الزامی ایجاد نمی کنند، اما بدون شک این گزارشات

قادر است دولت های غربی حمایت کننده از رژیم آل خلیفه را از سوی سازمانها، نهادها و احزاب داخلی آنها به ویژه در صحنه ی مبارزات انتخاباتی- تحت فشار افکار عمومی قرار دهد. هر چند از زمان انقلاب بحرین سازمان ملل متحد بارها خواهان توقف اقدامات رژیم آل خلیفه در سرکوب شیعیان بحرین شده است اما در عمل از آن جایی که این سازمان عملاً بازیچه قدرتهای بزرگ است هیچ اقدام مؤثری را انجام نداده است. اتحادیه اروپا نیز به عنوان یکی از بزرگترین سازمانهای منطقه ای با توجه به حضور قدرتهایی چون انگلیس و ... در این سازمان هرچند در بسیاری از مواقع به نقد اقدامات صد حقوق بشری آل خلیفه پرداخته است اما عملاً حامی رژیم آل خلیفه است و از زمان شروع موج بیداری اسلامی در بحرین همسو با سایر قدرتهای بین المللی گام برداشته و عملاً به حمایت از رژیم آل خلیفه مبادرت ورزیده است.

نتیجه گیری

همانطور که ذکر شد ساختارهای نظامی-امنیتی، سیاسی، جمعیتی-فرهنگی و اقتصادی در کشور بحرین به گونه ای است که برای این کشور در راستای حفش جایگاهش در نظام بین الملل چاره ای جز همراهی با ابرقدرتها نمی گذارد. آل خلیفه در صورت عدم حمایت قدرتهای بزرگ منطقه ای و فرامنطقه ای عمر حکومتش بسی کوتاه خواهد و لذا همکاری و تعامل صرف با بازیگرانی چون آمریکا، عربستان سعودی، امارات متحده و... از یک سو و تضاد و تقابل با جبهه مقاومت، ایران و حزب الله لبنان را هدف اصلی خود در سیاست خارجی قرار داده است و می توان الگوی سیاست خارجی این کشور به شکل تعاملی- تقابلی تعریف کرد. سطح تضاد آل خلیفه با جنبش های شیعی و کشورهای حامی شیعیان تا اندازه ای است که راهی برای هیچ گونه مماشات و مصالحه باقی نمی گذارد. در نتیجه اگر بخواهیم سیاست خارجی این کشور کوچک اما مهم منطقه را در یک الگوی ساده نشان دهیم می توانیم از شکل زیر بهره گیریم.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آجیلی، هادی؛ گودرزی، کیهان و شربتی، وحید (۱۳۹۲). «آسیب شناسی قیام مردم بحرین در قالب جنبشهای اجتماعی نوین»، **فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی**، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان، صص ۲۴-۲۶.
- اسدی علی اکبر (۱۳۹۰). «بحران بحرین و روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس»، ۹ آبان ۱۳۹۰، ابرار معاصر تهران، قابل دسترس در <http://www.tisri.org/default.aspx:۸۳۶>
- بابوردی، اسماعیل و کریمیان، علیرضا (۱۳۹۸). «روابط دوجانبه فرهنگی و اجتماعی ایران و ایالات متحده آمریکا از ابتدا تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹-۱۸۲۹ میلادی)»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۲۵-۶۲.
- جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، دوره ۳، شماره ۸، صص ۶۵-۸۹.
- جهانگیری، سعید و اطهری، سید اسدالله (۱۳۹۷). «بررسی تاثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران بر سیاست خارجی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، دوره ۲، شماره ۶، صص ۵۵-۷۷.
- چهرآزاد، سعید (۱۳۹۸). «وانموده های سیاستگذارانه پسا دفاع مقدس در حیطه روابط خارجی ایران»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، سال ۵، شماره ۴، صص ۱۲۷-۱۴۴.
- خدابخشی، لیلیا؛ ازغندی، علیرضا و هرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۸). «بررسی مقایسه‌ای راهبرد ایران و عربستان در بحران سوریه با تکیه بر نظریه نواقع‌گرایی»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، سال ۵، شماره ۳، صص ۲۱-۴۷.
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۱). «نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی: وجه تشابه و تمایز»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال ۹، شماره ۲۸.
- دارا، جلیل و خاکی، محسن (۱۳۹۷). «جایگاه شبکه مسلمانان میانه‌رو در اعمال قدرت نرم آمریکا؛ با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۱، صص ۵۶-۷۷.
- ذولفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷). «مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۵۴.
- زیبایی نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۸۷-۲۰۶.

سپهری، یدالله؛ عباسی، مصیب و حسینی آهنگری، سید حسن (۱۳۹۸). «پیامدهای تقابل ایران و آمریکا»، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۱۹-۱۳۶.

کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان، صص ۱۱۹-۱۴۰.

کبیری، ابوالحسن و کاویانی فر، پیمان (۱۳۹۸). «اولویت بندی تهدیدات جمهوری اسلامی ایران از طریق آسیای مرکزی و راهکارهای مقابله با آن»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، دوره ۵، شماره ۴، صص ۵۱-۷۰.

مصاحبه با آقای مصدق مصدق پور مدیر محترم رادیو بحرین

مصاحبه با دکتر محمدعلی مهتدی کارشناس مسایل منطقه ای

مصاحبه با شیخ محمد خجسته، ۱۳۹۵

موسوی، سید محمدرضا و نوروزی، رحیم (۱۳۹۸). «بررسی ابعاد فرهنگی و مذهبی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۹، شماره ۱، صص ۳۴۳-۳۶۷.

مومنی راد، احمد و کیخسروی، مهدی (۱۳۹۸). «سازوکارهای منطقه ای حقوق بشر: گونه ها، چالشها و راهکارها»، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۷، پاییز و زمستان، صص ۱۳۴-۱۱۱.

هراتی، محمدجواد و منصور، توران (۱۳۹۸). «آزمون پذیری نظریه انقلاب اجتماعی با انقلاب های مصر و تونس»، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۲۲۷-۲۰۷.

ب) منابع انگلیسی

Albinkhalil (2013). Youdif, American and Bahrain Winter: Analysis of the Relationship between the USA and the Sunnis in Bahrain, Library of Congress, books.google.com.

Barany, Zoltan (2016). The Bahrain Defence Force: The Monarchy's Second-to-Last, Center for Strategic & International Studies (CSIS).

Khashoggi Jamal (2012). Regional and Geopolitical dynamics, Brookings.edu.

Sick, Gary. (2007). "The Worst of Both World", foreign policy, january 29.

www.pewforum.org, 2011, THE FUTURE OF THE GLOBAL MUSLIM POPULATION

www.chathamhouse.org, 2011, Crackdown in Bahrain, Jane Kinninmont

www.theodora.com(2017)/wfbcurrent/bahrain/bahrain_people

www.theworldfolio.com/interviews/confidence-in-ukbahrain-relations-runs-deep/4268, 2017

www.tradingeconomics.com, 2017, US energy information administration.

www.ustradenumbers.com, 2017